

بررسی تأثیر آیین‌های عاشورایی بر منظر شهری و خاطرات جمعی از دیدگاه شهروندان

مهدی خاک زند، سعیده تیموری گرده*^۲

^۱ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
^۲ کارشناس ارشد معماری منظر، دانشکده معماری شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۳۰

چکیده

منظر شهری پدیده‌ای همواره در حال تغییر است که تحت تأثیر شرایط مختلف اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. مذهب به مثابه یکی از عناصر و ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی، نقش بسیار مؤثری در ایجاد این تغییرات ایفا می‌کند. همان‌طور که محیط طبیعی و مصنوع در ایجاد باورها، آیین، آداب و رسوم جوامع تأثیرگذار هستند، مذهب و ویژگی‌های آن نیز می‌تواند استفاده و دخل و تصرف در محیط پیرامون را تحت شعاع خود قرار دهند. با توجه به اهمیت آیین‌های فرهنگی - مذهبی در شهرهای ایران از گذشته‌های دور تا کنون و با توجه به تحقیقات بسیار اندک در حوزه معماری، درباره آیین مذهبی عاشورا و بررسی تأثیرات حاصل از آن در منظر شهری از دیدگاه شهروندان، این مقاله تدوین شده است. مقاله حاضر بر این فرض است که «ایام محرم، باعث ایجاد تغییرات اساسی در منظر شهر می‌شود که این تغییرات در عین بصری بودن (ظاهری و کالبدی) دارای تأثیرات ذهنی فراوانی در خاطر مردم شهر است». روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و برای دست‌یابی به هدف تحقیق از دو روش پیمایش و مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای استفاده شده است. محدوده مورد بررسی چهار منطقه از تهران است که از محله‌های مورد توجه مردم و برگزارکنندگان آیین مذهبی ایام محرم در شهر تهران است. نتیجه تحقیق حاکی از آن است که اکثریت پاسخگویان علاوه بر تأکید بر ایجاد تغییرات حاصل از آیین مذهبی محرم در منظر شهر، این تغییرات را در عین کالبدی و بصری بودن دارای تأثیرات ذهنی و غیر عینی ماندگار در یاد و خاطره خود از شهر می‌دانند.

واژگان کلیدی: مراسم مذهبی دهه محرم، تأثیرات عینی و ذهنی، منظر شهری موقت و آیینی، خاطرات جمعی، عاشورا.

مقدمه

چرا که توجه به این موضوع و اثرات توأمان آن بر منظر و هویت شهر می‌تواند سبب ارتقای کیفی محیط در طراحی و بازسازی فضاهای شهری در دوران حاضر و چه بسا آینده گردد.

این مقاله در پی فهم تغییرات عینی و ذهنی حاصل از آیین مذهبی عاشورا در منظر شهر است؟ که در این باره دیگری نظیر «آیا آیین مذهبی عاشورا باعث ایجاد تغییراتی در نما و کالبد شهر می‌شود؟» و «تغییرات حاصل از آیین مذهبی عاشورا در شهر، بیش‌تر شامل چیست؟» پاسخ داده شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع کمی و توصیفی - تحلیلی است. در این میان از روش کتابخانه‌ای و روش پیمایش سود جسته شده است. محدوده مورد مطالعه، چهار منطقه از تهران (منطقه قیطریه، محدوده بازار، منطقه نارمک و شهرک غرب) است. از مهمترین دلایل انتخاب محدوده‌های مورد مطالعه، نخست پوشش جغرافیایی حداکثری از مناطق عمده شمالی، جنوبی، شرقی و غربی شهر تهران بود که امکان مقایسه دیدگاه ساکنان مناطق مختلف شهر را فراهم می‌آورد. دوم با توجه به اطلاعات موجود، محله‌های انتخابی به عنوان محبوب‌ترین فضاهای شهری تهران در برگزاری آیین مذهبی ایام محرم مورد توجه مردم و برگزارکنندگان این مراسم است؛ به نحوی که بسیاری از ساکنان دیگر نقاط شهر برای تماشا و حضور در این مراسم به این محله‌ها مراجعه می‌کنند. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار مشاهده و پرسشنامه استفاده شده است. اعتبار پرسشنامه، با دآوری تعدادی از استادان بررسی و بر حسب نظر آنان اصلاح گردید. پایایی پرسشنامه نیز با انجام پیش‌آزمون در نمونه‌ای مقدماتی به حجم ۲۰ نفر، و محاسبه آماره آلفای کرونباخ (برای تمامی پرسش‌ها بزرگتر از ۰/۶) به دست آمد. حجم نمونه مورد استناد ۱۳۱ نفر است که از تکمیل پرسشنامه از ۱۴۰ نفر شهروندان چهار محله به شیوه انفاقی به دست آمده است. افراد نمونه در ساعات‌های مختلف روز و از بین گروه‌های سنی گوناگون (نوجوان تا کهنسال) نواحی مختلف محدوده‌های مورد مطالعه انتخاب شدند. اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS و با محاسبه آماره‌های خی ۲ تک متغیره و چندگانه و آزمون پیرسون تحلیل شده است.

مبانی نظری

فضای شهری و آیین‌های مناسبتی

ارزش‌ها، باورها و اعتقادات سهم عمده‌ای در شکل‌دهی به محیط‌های انسانی دارند (لینچ، ۱۳۸۰: ۹۳-۱۱۰). عامل فرهنگی بویژه اعتقادات مذهبی، اساس ایجاد زیستگاه‌های انسانی بوده و

در مذهب شیعه یکی از مهم‌ترین مناسک جمعی، عزاداری ماه محرم است که هر ساله در قالب حرکت و جریانی مردمی برگزار می‌شود. آیین‌های فرهنگی - مذهبی در ایران همانند رخدادی هستند که ریشه در باورها و اعتقادات تک تک افراد جامعه دارند و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند و هر ساله مردم با برگزاری این آیین‌ها، باورها و اعتقادات خود را محکم‌تر می‌سازند (قادری و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۷-۸۸). دین، مذهب و باورها به عنوان بخشی از فرهنگ و میراث معنوی هر جامعه‌ای نقش بسیار مهمی در پیدایش آیین‌های فرهنگی به عهده دارند. «بسیاری از کشورها، این‌گونه مراسم را به عنوان یک رخداد احیا می‌نمایند و از طریق برپایی فستیوال‌ها و کارناوال‌ها به آنها رونق داده، به طوری که جذابیت آنها بیش‌تر نمود پیدا می‌کند. در ایران امروز نیز گفتمان کربلا یکی از مهم‌ترین عناصر حیات دینی عموم مردم محسوب می‌شود» (فیاض و رحمانی، ۱۳۸۵: ۷۴) که در قالب مراسم عاشورا تبلور می‌یابد. البته از دیگر مراسم مذهبی می‌توان به عیدهای فطر، قربان و نیمه شعبان، مراسم شب‌های احیا در ماه مبارک رمضان اشاره کرد، ولی مراسم عزاداری ایام محرم به دلیل برگزاری بیش‌تر در فضاهای عمومی شهر، از نظر شکل‌دهی به خاطرات جمعی، مهم‌ترین آیین مذهبی محسوب می‌شود. نظرسنجی که در سال ۱۳۸۵ از حدود هزار نفر از مردم تهران انجام شده، نشان می‌دهد که عزاداری ایام محرم عمدتاً به صورت جمعی و در فضاهای عمومی انجام می‌شود (خاتم، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۵). بنابراین یکی از مهم‌ترین دلایل نویسندگان در انتخاب این مراسم برای تحقیق حاضر نسبت به سایر آیین‌های فرهنگی - مذهبی، میزان قابل توجه تغییرات ایجاد شده ناشی از آن در شکل، کالبد و رنگ و ویژگی‌های عینی شهر است، به ویژه آن‌که مکان برگزاری آن نیز عموماً در فضاهای باز شهری و در ارتباط متقابل و مؤثر با مردم شهر است. موضوع مناسبت‌ها در تاریخ فرهنگی ایران، پا به پای قدمت شهرهای آن در پیوند با منظر شهری، پیش آمده است و آن‌چه مایه ماندگاری مناسبت‌ها و مراسم شده است، مظاهر عینی آن است که تبلور ذهنیت‌های مرتبط شده است. پیوند میان این عناصر و آرایه‌ها با مفاهیم مرتبطشان در قالب وحدت معنا و ماده، همواره در فرهنگ سنتی ایران برجای بوده است (محدثی، ۱۳۸۹: ۲۱). از گذشته‌های دور و در میان همه جوامع، تأثیر و نقش ادیان، نه تنها در شکل‌گیری فضای شهری، بلکه در معماری، تزیین و سامان دادن به فضاها نیز مؤثر بوده است. کیفیت تأثیرپذیری محیط از مفاهیم مذهبی و تأثیر شگرفی که این تأثیرپذیری می‌تواند بر افزایش کیفیت فضایی بگذارد، ضرورت این پژوهش را به منظور بررسی تأثیرات آیین مذهبی ایام محرم در شهر و شهروندان تهرانی از هر دو جنبه عینی و ذهنی مشخص می‌نماید؛

در نظم‌دهی به سکونت‌گاه‌ها، مذهب غالباً به شیوه‌ای نمادگرایی عمل کرده است (راپاپورت، ۱۳۶۶: ۱۹)؛ چنان‌چه بازتاب هر دینی را می‌توان آشکارا در ساخت‌های فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فضاهای جغرافیایی تحت قلمرو آن دین مشاهده کرد (رحیمی، ۱۳۸۴: ۹۰). کالبد شهرهای هر کشوری با شهری از کشوری دیگر تفاوت دارد که این برآمده از فرهنگ، اجتماع و مؤلفه‌های زیرساختی آداب و رسوم آن سرزمین است. «هویت شهر، حالتی ذاتی و دروندادی داشته که بر کالبد شهر تأثیر می‌گذارد، لذا سیمای کالبدی شهرهای وابسته به یک فرهنگ و جهان‌بینی خاص را از فرهنگ و ساختار اجتماعی دیگر متمایز می‌کند. در واقع در بستر جریانی دو سویه هویت کالبد شهر شکل می‌گیرد و پس از شکل‌گیری، کالبد شهر موجود، باعث استمرار تحولات و بالتبع تغییراتی پویا در مفاهیم و مؤلفه‌های هویتی یک سرزمین در بستر تعاملاتی دوسویه می‌شود» (حبیب و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳). فقدان هویت شهری مشکلات جدیدی را برای شهر و ساختار فیزیکی آن به همراه می‌آورد. بنابر این، اتصال تاریخی میان فضای شهری، فعالیت‌های آن و ارزش‌های آیینی جامعه می‌تواند ما را در شکل دادن به محیط مصنوع و بهبود ابعاد انسانی که برای حیات آن مهم است، یاری نماید (Djukic & Stupar, 2001: 19). آیین‌ها با داشتن سه ویژگی کلان تکرارپذیری در زمان و مکان مشخص، برخوردار از ماهیتی نمادین و استعاری، و کنش و فعالیت اجتماعی، با سه مؤلفه اصلی شهر شامل کالبد، معنا و فعالیت در تعامل و ارتباط تنگاتنگ است. در نتیجه، آیین را می‌توان پدیده‌ای فضایی و به تبع آن پدیده‌ای شهری دانست (علی‌الحسابی و پای‌کن، ۱۳۹۴: ۷۷)؛ به عبارتی آیین‌ها در خدمت یک هدفند. آنها افراد را در زمان و مکان به هم مرتبط می‌سازند، گروه‌ها را به هم متصل می‌کنند و مناسبت و نظم ایجاد می‌نمایند (Landry, 2006: 176). جشن‌ها و آیین‌ها به عنوان رویدادهای تکرارشونده و دوره‌ای، چرخه زندگی و ابدیت جهان را به ما یادآور می‌شوند. مهم‌ترین اصول آیین‌ها عبارتند از: سنت‌گرایی، رسمی‌سازی، عناصر قدیمی و ویژگی‌های دیدنی و جذاب (Djukic & Stupar, 2001: 20). در واقع، هر جنبه‌ای از زندگی و هر منبعی از آن یا آیینی است و یا می‌تواند آیینی شود؛ در نتیجه می‌تواند به یک دارایی با ارزش تبدیل شود. آیین‌ها تقویم را علامت‌گذاری و فصول را شناسایی می‌کنند. جشن‌های بعد از برداشت محصول و سالگرد رویدادهای مهم، بخشی از تاریخ بشر هستند و در گذشته در مقیاس محلی، هویت بومی را شکل می‌دادند و شهری را از دیگری متمایز می‌ساختند؛ به عبارتی اگر چیزی در زندگی بومی مهم بود، آن چیز جشن گرفته می‌شد (Landry, 2006: 177). آیین‌ها از اصلی‌ترین عواملی هستند که در تحلیل تاریخی فضاهای شهری، از جهات مختلفی ایفای نقش

می‌کنند. نقش اول آنها قدمت و تاریخی بودن خود آیین است که نشانگر قدمت و تاریخ عمر آن ملت و جامعه است. نقش دوم، ویژگی‌هایی است که هر آیین خاص، برای مکان برپایی خویش بر انسان‌ها (طراحان و برنامه‌ریزان و سازندگان) القا می‌کند تا فضا را به گونه‌ای سامان دهند که مناسب برپایی‌اش باشد. نقش دیگر آیین‌ها، خاطره‌سازی و تثبیت خاطره‌های جمعی جامعه است (نقی زاده، ۱۳۸۹: ۲۵۲). «آیین‌ها همچنین از اصلی‌ترین عوامل شکل‌دهنده تعاملات اجتماعی و از اساسی‌ترین عوامل و بنیادهای عملکردی فضاهای شهری هستند. نقش آن‌ها به دلیل وجه معنوی و تاریخی و خاطره‌انگیزی و هویتی‌شان و به دلیل نقشی که در احراز هویت و وحدت و شادابی و حیات جامعه ایفا می‌کنند، نقشی یگانه و منحصر به فرد است. نقشی که حتی در بسیاری از موارد، فضایی تهی و عاری از ویژگی‌های شاخص کالبدی (حتی در بیابان) را به آن دلیل که فضای برپایی آیین‌ها بوده‌اند (و هستند)، ارزش‌مند، خاطره‌آفرین و واجد هویت و ارزش می‌کند» (پیشین، ۹۹). اریک رودنبولر از صاحب‌نظران بنام در حوزه بررسی معنای آیین و ارتباطات آیینی، درباره نقش و کارکرد آیین‌ها در جامعه بر آن است که آیین‌ها زندگی ما را در اجتماع «علامت‌گذاری» می‌کنند (Rou-thenbuhler, 1998: 85). بنا به عقیده میرچا الیاده نیز «آیین‌ها در هر جامعه «زمان مقدس» را خلق می‌کنند و مکان‌ها را بر هم فضیلت می‌بخشند» (گیویان، ۱۳۸۵: ۱۸۲). «آیین‌ها در هر زمانی برگزار نمی‌شوند و لذا به سبب اهمیتی که احاد جامعه برای آیین قائلند، زمان و مکان برگزاری آن هم از دیگر اوقات ممتاز می‌شود» (پیشین، ۱۸۳). بسیاری از آیین‌ها را نمی‌توان در هر جایی برگزار کرد. از این رو، یکی از انتظارات خاص از فضاهای شهری تأمین فضا و مکان مناسب برپایی آیین‌ها و مراسم جامعه، از طریق مطابقت با فضای مورد نیاز آیین‌ها و مراسم است.

مناسک عزاداری کربلا به دلیل نقشی که در حیات مردم داشته، در صور مختلفی متبلور شده است و مردم آن را با سازوکارها و صورت‌بندی‌های متنوعی بازسازی کرده‌اند (فیاض و رحمانی، ۱۳۸۵: ۵۹). ساختار و محتوای مناسک به سبب پیوند آن با زندگی دائماً در حال تغییر مؤمنان، همیشه متحمل تغییرات بسیاری بوده است. لذا مناسک مذهبی علاوه بر آن که بازنمای دگرگونی‌ها هستند، یکی از نقش‌های اصلی‌شان پیشبرد دگرگونی و اعتبار بخشیدن به دگرگونی‌هاست (بیس و پلاگ، ۱۳۷۵: ۶۷۸). در مراسم و آیین‌های دینی یعنی جشن‌های بزرگ و نمایش‌های فرهنگی-دینی است که آمیختگی نمادین روحيات معنوی و جهان‌بینی به وجود می‌آید و آگاهی‌های معنوی مردم را شکل می‌دهد؛ به عبارت دیگر، کارکرد اصلی دین به مثابه نظام فرهنگی از خلال مناسک مذهبی و به‌ویژه مناسک جمعی و بزرگ انجام می‌پذیرد. بر این اساس

رابطهٔ دین با جامعه، رابطهٔ یکسویه و منفعلانه نیست. دین فعالانه وارد میدان می‌شود و نه تنها نظم اجتماعی را تفسیر و تحلیل می‌کند، بلکه آن را ایجاد کرده و بدان شکل و ماهیت می‌بخشد (Geertz, 1973: 8-11). از این میان، عاشورا روز به خصوصی است و مکان برگزاری آیین‌های عاشورایی، خواه حسینی یا مکانی دیگر که به مرور زمان و بنا به توافق اجتماع برگزارکننده تعیین می‌شود، هر جایی نیست و این «جا» از دیگر نقاط فضای اجتماع ممتاز است. پس آیین با مرزبندی بین امور و با قاب‌بندی لحظه‌ها و مناظر، جامعه را از نظر فضا و مکان علامت‌گذاری می‌کند.

منظر شهری موقت و مناسبتی

مفهوم منظر برای انسان‌ها متفاوت است؛ چرا که از یک سو مناظر، تحت فرهنگی مستقل دیده و درک می‌شوند و از سوی دیگر هر یک از اقوام و ملل بر حسب شرایط فرهنگی، اقلیمی و تاریخی خود در منظر دخالت‌هایی متفاوت داشته‌اند. «منظر را نمی‌توان تنها در کالبد خلاصه کرد، چون منظر کیفیت و معنا را هم در بردارد و نیز نمی‌توان مفهومی تجریدی و انتزاعی دانست، چون آن را از طریق کالبد و حواس می‌فهمیم. لذا منظر، پدیده‌ای است که به واسطهٔ ادراک ما از محیط و تفسیر ذهن، توأمان حاصل می‌شود؛ در واقع منظر، پدیده‌ای است عینی - ذهنی» (آتشین بار، ۱۳۸۸: ۴۹). از طرفی مناسبت‌ها به مفهوم نقاط شاخص هر دورهٔ زمانی، در ذهن انسان، جایگاه خاصی دارند و یادآور واقعه یا رویداد مهمی هستند. در نتیجه، به مناسبت ایام، منظر شهری هویت خاص خود را می‌یابد و «منظر شهری مناسبتی» معنا پیدا می‌کند (محدثی، ۱۳۸۹: ۱۸). بسیاری از مذاهب، برپایی و اجرای آیین‌هایی را در مواقع خاص یا به صورت ادواری (سالانه، ماهیانه، هفتگی و حتی روزانه) توصیه می‌کنند. مکان‌های برپایی آیین‌ها، به مرور زمان در نظر مردم یادآور خاطرات مذهبی و در نتیجه دارای ارزش معنوی می‌شوند. این ارزش تا جایی است که علاوه بر زمان برپایی آیین‌ها، در سایر زمان‌ها نیز مردم را به سوی خود جلب می‌کنند و به عنوان فضاهای خاطره‌انگیز، در نقش عامل هویتی شهر و جامعه ظاهر می‌شوند. البته هر فضا، با ویژگی‌های خاص خود برای برپایی هر آیینی مناسب نیست؛ چرا که برای برپایی هر آیین، باید تغییرات کالبدی و شکلی خاص و متناسبی را در فضا به وجود آورد (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۰۶). این فضا، می‌تواند به واسطهٔ بهره‌مندی از امکانات فیزیکی و خدمات عمومی، تسهیل‌کنندهٔ حضور مردم به بهانهٔ برگزاری مراسم مناسبتی باشد و به همین بهانه، با این مناسبت پیوند بخورد. حضور مردم در هر فضای شهری، فرصتی برای ایجاد حس مشترک، به مناسبتی خاص است. «نباید نقش مردم در مناسبت‌ها را در ایجاد یک منظر شهری

عمومی، نادیده گرفت. مردم، در قالب فردی، جزء عناصری هستند که بر محیط اطراف خود تأثیر گذارند. در عین حال وقتی در قالب جمع، حضور پیدا می‌کنند، توده‌ای غالب را شکل می‌دهند که فضای حسی مشترکی را هم بین خود و هم برای بینندگان به وجود می‌آورند. فارغ از پتانسیل‌های محیطی، صرف حضور مردم بر اساس وحدتی که میان آنها به وجود آمده، منجر به شکل‌گیری منظر شهری می‌شود» (محدثی، ۱۳۸۹: ۱۹-۲۰). چنان‌چه از نگاه شولتز، احساس فضا و درک محیط با خاطرات عجیب شده است (شولتز، ۱۳۸۲: ۷۳). ابتدا واقعه و حادثه رخ می‌دهد و سبب می‌گردد تا خاطره شکل گیرد. خاطره هیچ‌گاه بی‌واقعه در خیال نقش نمی‌بندد و آن زمان که واقعه و یا حادثه پایان می‌پذیرد و روزها از آن می‌گذرد، آن‌چه در ذهن باقی می‌ماند، فضایی است که واقعه یا حادثه در آن رخ داده است (حبیبی، ۱۳۸۷: ۱۶-۲۱) و هر اندازه تعداد افراد درگیر در واقعه بیشتر باشد، اهمیت آن افزایش می‌یابد (میرمقتدایی، ۱۳۸۸: ۷). ماهیت اجتماعی خاطره، ارتباط آن را با فضاهای عمومی شهر، آشکار می‌کند. شکل‌گیری خاطرات در قلمرو سکونت‌گاه جمعی، یعنی شهر و محلات آن، امکان‌پذیر است. هم‌چنان که منظر شهری، ماهیتی است که به واسطهٔ فعالیت‌های انسانی و همراه شدن آن با کالبد در طول تاریخ پدید می‌آید و در ذهن شهروندان تفسیر می‌شود؛ این ابعاد ذهنی ممکن است فردی و یا جمعی باشد. اگر چه منظر شهری در ابتدا از طریق کالبد و احساسات درک می‌شود، اما آن‌چه بدان معنا می‌بخشد، ذهنیت شهروند است. منظر شهری نه خاطرات صرف است (غیر محسوس - ذهنی) و نه کالبد صرف (محسوس - عینی)؛ پدیده‌ای است که از تعامل این دو در شهر حاصل می‌شود (آتشین بار، ۱۳۸۸: ۵۰). با مرور منابع اسلامی، می‌توان دریافت که نظر دین نیز در خصوص مناسبت‌ها، اولویت ذهنیت بر عینیت است (محدثی، ۱۳۸۹: ۱۸). از بعد کالبدی، آیین‌های جمعی سبب ایجاد عناصر و فضاهایی خاص گردیده و یا به آن‌ها شکل داده و اجرای آن در سازمان فضایی شهر در گذشته انسجام کالبدی - فضایی شهر را به دنبال داشته است. از بعد معنا، آیین‌های جمعی سبب ایجاد فضاهایی خاطره‌انگیز، با معنا و نمادین گردیده و در هویت‌بخشی به فضاها و حس تعلق به آنها اثرگذار بوده است. (علی‌الحسابی و پای‌کن، ۱۳۹۴: ۷۷). بنابر این نمی‌توان تغییرات حاصل از مراسم آیینی - مذهبی عاشورا را در منظر شهر و خاطرات شهروندان صرفاً تأثیراتی کالبدی و عینی دانست.

"جیمز ام. مایو" در مقاله "منظر موقت"، مناظر موقت را مکان‌هایی برای رویدادهای جاری قابل تکرار یا غیر قابل تکرار معرفی می‌کند (Mayo, 2009: 125). گردهم‌آیی‌های عمومی، رویدادهای فرهنگی و هنری و ورزشی، جشن‌ها و مناظر این‌چنینی، چشم‌اندازها را به



تصویر شماره ۱: تغییرات کالبدی حاصل از آیین مذهبی در ظاهر شهر بیش‌تر شامل تغییر در رنگ شهر (سیاهپوش شدن)، نصب پرچم و تابلوها و ... است. مأخذ: www.Tabnak.ir



تصویر شماره ۲: تغییرات غیر کالبدی و عوامل انسانی نظیر حرکت دسته‌های عزاداری، شلوغی‌ها و تجمع‌های مردمی و اجرای مراسم نوحه‌خوانی و تعزیه نیز از عناصر شاخص دیگر در تغییر منظر شهر در این ایام هستند. مأخذ: www.JameJamOnline.ir

در پاسخ پرسش "آیا در ایام آیین مذهبی عاشورا شاهد تغییراتی در نما و کالبد شهر هستید؟" نتایج نشان می‌دهد که ۴۱/۲ درصد تغییرات را در حد زیاد، ۲۶ درصد خیلی زیاد، ۲۴/۴ درصد متوسط، ۶/۹ درصد خیلی کم و ۱/۵ درصد تغییرات را در حد کم دانسته‌اند. بنابراین مشاهده می‌شود که مردم تغییرات حاصل از این مراسم را در شکل شهر به میزان قابل توجهی محسوس می‌دانند.

یافته‌ها حکایت از آن دارند که از دیدگاه بیش‌تر پاسخگویان (۶۷/۲ درصد)، در ایام برگزاری آیین مذهبی عاشورا در نما و کالبد شهر تغییرات زیادی رخ می‌دهد. ۲۴/۴ درصد این تغییرات را در حد متوسط و ۸/۴ درصد آن را در حد کم ارزیابی کرده‌اند. هم‌چنین حدود ۵۰ درصد از پاسخگویان تغییرات حاصل از آیین مذهبی را در شهر به میزان زیادی به صورت بصری و عینی (قابل مشاهده و ظاهری) دانسته‌اند. در این میان ۲۵/۲ درصد این تغییرات را در حد متوسط عینی و بصری دانسته و ۳/۱ درصد آن را در حد کم ارزیابی کرده‌اند. علاوه بر این که ۳۲/۸ درصد از پاسخگویان گفته‌اند که این تغییرات در حد زیادی ذهنی است و مرتبط با

طور موقت تغییر می‌دهند که اغلب بدون این که تغییر عمده‌ای در کیفیت طبیعی و کالبد دائمی منظر ایجاد کنند، مکانی را برای برگزاری رویداد و تغییر مجدد آن در دوره‌های دیگر فراهم می‌آورند، چنان که می‌توانند مناظر منحصر به فردی را ایجاد نمایند. تعامل میان منظر دائمی و منظر موقت اجتناب‌ناپذیر است؛ منظر موقت، پوششی موقتی برای منظر دائمی است که ممکن است یک بار، یا به طور متناوب و یا به طور منظم اتفاق بیافتد. اگر چه این مناظر برای مدت کوتاهی باقی می‌مانند، تأثیر آن‌ها به دلیل تأثیر بر ادراک ذهنی مردم از محیط، پایدارتر است. مناظر موقت شهری به عنوان بستر رخدادهای اجتماعی فرهنگی، توان بالقوه‌ای هستند که ورای تأثیر کالبدی‌شان، تأثیر گسترده آن‌ها را در بهبود و ارتقای رفتار شهروندان و کیفیت محیط زندگی آنان نمی‌توان نادیده انگاشت. (چشمه قصابانی و کریمی، ۱۳۹۰: ۲۷). برخی از فضاهای شهری در شرایط و زمان‌های خاصی، مناظر مناسبی موقتی به وجود می‌آورند که تنها مختص همان مقطع زمانی هستند. این ویژگی از فضای شهری، هم در ابعاد تاریخی و هم در حافظه جمعی جای می‌گیرد و می‌تواند بعدی از ابعاد شخصیت شهری را بسازد. چنان که مناظر مذهبی حاصل از ایام محرم مناظر موقتی هستند که به مثابه نوشته‌ای، مبین تاریخ فرهنگی یک مکانند. طول عمر سیمای مناسبی که ایام محرم شکل‌دهنده آن است، سبب پدید آمدن عناصری موقت در منظر شهری می‌شود. تغییرات حاصل از ایام محرم مانند تغییرات کالبدی شهر نظیر تغییر در رنگ شهر و سیاهپوش شدن آن برای سوگواری و عزاداری از جلوه‌های موقت این منظر مناسبی در شهر است.

تحلیل یافته‌ها

مقاله حاضر بر این فرض است که ایام مذهبی دهه محرم باعث ایجاد تغییرات محسوسی در منظر شهر می‌شود که این تغییرات در عین بصری (ظاهری و کالبدی) بودن دارای تأثیرات ذهنی شگرفی نیز بر مخاطبان خود است. اگر چه تغییرات حاصل از این آیین مذهبی در شهر در ظاهر بیش‌تر شامل تغییر در رنگ شهر (سیاهپوش شدن)، نصب پرچم و تابلوها و ... است (تصویر شماره ۱)، ولی عوامل انسانی و غیر کالبدی دیگری نظیر حرکت دسته‌های عزاداری، شلوغی‌ها و تجمع‌های مردمی و اجرای مراسم نوحه‌خوانی و تعزیه نیز از عناصر شاخص دیگر در تغییر منظر شهر در این ایام هستند (تصویر شماره ۲)؛ تغییراتی هر چند موقت در منظر شهر که در زمانی خاص صورت می‌گیرد، ولی تأثیرات ذهنی خود را در مخاطب و فضای شهری محل برگزاری آن باقی می‌گذارد. مجموع نتایج حاصل از این پرسش‌ها ما را در رسیدن به پاسخ پرسش اصلی مقاله یاری می‌رساند.

فضایی تهی و عاری از ویژگی‌های شاخص کالبدی را به آن دلیل که فضای برپایی این مراسم است ارزشمند، خاطره‌آفرین و واجد هویت و ارزش می‌کند. چنین منظر آیینی در آغاز، امری عینی است که به واسطه کیفیت ظهور عوامل فیزیکی در شهر موجودیت می‌یابد و سپس به سبب گذشت زمان و تکرار شدن، به عنصر مشترک پیونددهنده افراد جامعه بدل می‌گردد و در خاطرات جمعی آنان جای می‌گیرد؛ خاطراتی که گروهی از افراد در آن

خاطرات و قابل دریافت با ذهن و دل است. حدود دو پنجم از پاسخگویان تغییرات نما و کالبد را از این زاویه در حد متوسط و ۲۶/۷ درصد در حد کم دانسته‌اند.

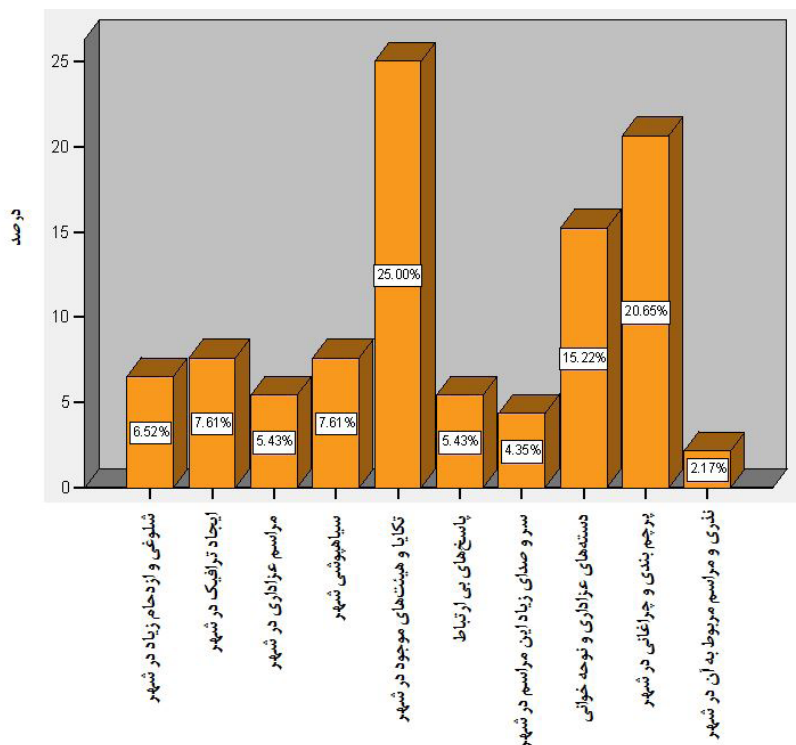
بنابراین چنین به نظر می‌رسد که با تأکید اکثریت مردم در ایجاد تغییرات حاصل از مراسم مذهبی در شهر، آنها این تغییرات را در شهر علاوه بر ملموس و قابل مشاهده بودن به میزان قابل قبولی نیز ذهنی و مرتبط با عواملی غیر عینی می‌دانند. چنین

به نظر می‌رسد که این مراسم در زمان به دلیل نشانه‌های کالبدی که در منظر شهر ایجاد می‌کند، در ذهن و خاطر مردم یادآور فضاهایی خاطره‌انگیز است و در نقش عامل هویتی برای برخی فضاهای شهری ظاهر می‌شود.

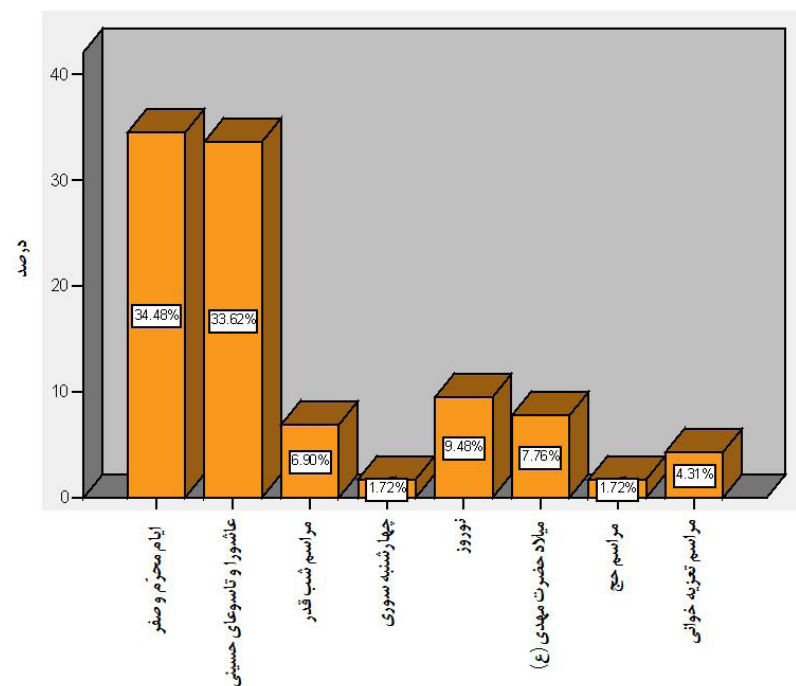
در خصوص سوال باز پرسشنامه مبنی بر اینکه «از نظر شما، تغییرات حاصل از آیین مذهبی عاشورا در شهر، بیشتر شامل چیست؟» نتایج نشان می‌دهد عناصری هم چون تکایا و هیئت‌های موقت عزاداری، دسته‌ها و تجمع‌های عزاداری، پرچم‌بندی و چراغانی شهر که همه در گروه عناصر موقت و مناسبتی خاص این ایام هستند بیش‌ترین تأثیر را بر ذهن مردم داشته‌اند.

چنان که در پاسخ به سؤالی دیگر، «مهم‌ترین آیین مذهبی شهری که در ذهن دارید» بیش‌تر پاسخگویان به عزاداری‌های ایام محرم و صفر، تاسوعا و عاشورای حسینی اشاره داشتند که نشان از تأثیر چشمگیر این مراسم و تغییرات حاصل از آن در منظر شهر و ساکنان آن دارد؛ به عبارتی، این آیین مذهبی به دلیل تغییرات بارز بصری که در کالبد شهر به وجود می‌آورد، زمینه پررنگی در ثبت خاطرات ذهنی بر ضمیر ناخودآگاه پرسش‌شوندگان دارد.

نقش آیین مذهبی ایام محرم به دلیل وجه معنوی، تاریخی، خاطره‌انگیزی و هویتی‌اش و به دلیل نقشی که در احراز هویت، شادابی و حیات در جامعه ایفا می‌کند، جایگاهی منحصر به فرد دارد. نقشی که حتی در بسیاری از موارد،



نمودار شماره ۱: فراوانی «بیشترین تغییرات حاصل از آیین‌های مذهبی در شهر»



نمودار شماره ۲: فراوانی «مهمترین آیین مذهبی از نظر پرسش‌شوندگان»

سهیم هستند، آن را به دیگران انتقال می‌دهند و در شکل‌گیری آن نیز دخالت دارند.

بررسی روابط آماری

برای به دست آوردن «چگونگی رابطه عینی و ذهنی بودن تغییرات حاصل از آیین مذهبی عاشورا در منظر شهر»، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج آزمون ضریب همبستگی نشان می‌دهد r مشاهده شده مساوی $0/244$ در سطح آلفای $0/01$ معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت بین ارزیابی از ذهنی بودن تغییرات حاصل از مراسم مذهبی در شهر و ارزیابی از تغییرات عینی حاصل از این مراسم در کالبد شهر رابطه معناداری مشاهده می‌شود. جهت رابطه نیز مثبت و مستقیم است.

در ادامه این موضوع برای اثبات فرضیه مقاله که عبارت است از «ایام مذهبی دهه محرم باعث ایجاد تغییراتی در منظر شهر می‌شود که این تغییرات در عین بصری (ظاهری و کالبدی) بودن، ذهنی نیز هستند»، از آزمون χ^2 تک متغیره و برای مقایسه چهار منطقه شهر تهران در این باره از آزمون χ^2 چند گانه استفاده شد.

نتایج آزمون χ^2 تک متغیره نشان می‌دهد که تفاوت ارزیابی‌ها در سطح آلفای $0/01$ معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه می‌توان این گونه بیان کرد که به اعتقاد بیش‌تر مردم، آیین مذهبی مانند دهه محرم باعث ایجاد تغییراتی در شکل ظاهری شهر می‌شود که این تغییرات در عین بصری (ظاهری و کالبدی) بودن، ذهنی نیز هستند.

هم‌چنین، آزمون ارتباط ارزیابی از میزان تغییرات به تفکیک مناطق نشان می‌دهد که شود تفاوت چهار منطقه تهران در سطح آلفای $0/05$ معنادار نیست و فرض صفر رد نمی‌شود؛ به عبارتی، بین دیدگاه مردم مناطق چهارگانه تهران در این باره تفاوت معناداری وجود ندارد و به اعتقاد همه آن‌ها آیین مذهبی هم‌چون دهه محرم باعث ایجاد تغییراتی در منظر شهر می‌شود که این تغییرات در عین بصری و کالبدی بودن، ذهنی نیز هستند. این آزمون در تأیید بیش‌تر فرضیه پژوهش است. بدین ترتیب که در تشخیص عینی و ذهنی بودن تغییرات حاصل از آیین مذهبی در منظر شهر، تفاوتی در دیدگاه مردم مناطق مختلف تهران وجود ندارد. با آن که در یک دسته‌بندی کلی، جنوب و مرکز شهر دارای ساختاری سنتی و مذهبی و شمال شهر دارای ساختاری مدرن و متفاوت است، ولی تفاوت مردم مناطق مختلف ساکن تهران در درک تغییرات حاصل از آیین مذهبی ایام محرم در شهر مؤثر نبوده و مقوله عینیت و ذهنیت در منظر مناسبتی شهر

برای همه به میزان یکسانی قابل درک و تأثیرگذار است. چنان چه پیش‌تر نیز بیان شد یکی از نقش‌های آیین‌ها، خاطره‌سازی و تثبیت خاطره‌های جمعی جامعه است. همان‌طور که به اعتقاد حبیبی، خاطره هیچ‌گاه بی‌واقع در خیال نقش نمی‌بندد و آن چه پس از گذشت زمان در ذهن باقی می‌ماند، فضایی است که واقعه در آن رخ داده است (حبیبی، ۱۳۸۷: ۱۶). منظر مناسبتی ایام محرم نیز با وجود موقتی بودن می‌تواند به دلیل تکرار در زمان و ایجاد تغییرات فضایی محسوسش در محیط، دارای تأثیرات ذهنی مؤثری بر مخاطبانش باشد. با آن که به اعتقاد مایو منظر موقت ابعاد گسترده‌ای دارد (Mayo, 2009, 125) و برخی منتقدان استدلال می‌کنند که هر منظری موقتی است ولی به نظر می‌رسد که تفاوت زیادی در رویدادها و تغییرات کالبدی که مراسم و آیین‌های مختلف می‌توانند در منظر موقت شهر بگذارند، وجود دارد. هر چند رشد و دگرگونی سریع شهری در تهران یکی از دلایل تغییر مداوم منظر شهری آن است ولی تغییر و تحولات موقت ناشی از انواع رخدادها شهری مانند آیین مذهبی ایام محرم در منظر شهر (شامل: فعالیت‌های تعزیه خوانی، نوحه‌خوانی، هیئت‌ها و دسته‌های عزاداری، مراسم نذری، چراغانی و سیاه‌پوشی معابر و محله‌ها، نصب پرچم‌های و المان‌های مخصوص این ایام در سطح شهر) بستر شکل‌گیری خاطراتی در ذهن مردم شده است. چنان‌که بنا بر نظر کریستوفر الکساندر نیز هویت هر مکان حاصل تکرار پی در پی الگوهای ویژه از رویدادها در آن مکان است. از نظر وی روح هر فضا و همه ادراک انسان در فضا نه تنها به محیط کالبدی آن بلکه به الگوی رویدادهایی بستگی دارد که در آن جا رخ می‌دهد و هر فرهنگ همواره الگوهای رویدادی خود را با نام عناصر کالبدی فضا، آن‌گونه که در آن فرهنگ متداول شده است، مشخص می‌کند. (الکساندر، ۱۳۸۱)

نتیجه‌گیری

مراسم مذهبی- فرهنگی به عنوان زیرمجموعه‌ای از آیین‌ها یکی از عوامل عملکردی فضاهای شهری و از عناصر مؤثر در تعاملات اجتماعی، حیات و ماندگاری این فضاها هستند. از سویی منظر شهری، مجموعی از عینیت (کالبد فیزیکی) و ذهنیت (نهفته‌های اجتماعی و انتظارات جامعه) است. تغییرات کالبدی حاصل از آیین مذهبی ایام محرم در منظر شهر و البته نقش مردم و عوامل انسانی در این مراسم، توانایی تبدیل کردن این منظر موقت شهری به عنصر ذهنی تأثیرگذار در خاطر شهروندان را دارد. تغییرات کالبدی و فعالیت‌های غیر کالبدی حاصل از این مراسم در شهر نظیر تعزیه‌خوانی، نوحه‌خوانی، هیئت‌ها و دسته‌های عزاداری، مراسم نذری، چراغانی و سیاه‌پوشی معابر و محله‌ها،

نصب پرچم‌های و المان‌های مخصوص این ایام در سطح شهر، در بستر زمان و در جریان دوسویه ابعاد عینی و ذهنی، منظر شهری مناسبی و موقتی را شکل می‌دهد که با گذشت زمان باعث ایجاد تغییراتی پویا در مفاهیم و مؤلفه‌های هویتی شهر ایرانی می‌گردد. چنان که بر اساس داده‌های کمی و کیفی حاصل از پرسش‌شوندگان تحقیق، بیش‌ترین آن‌ها میزان «تغییرات در نما و کالبد شهر در ایام آیین مذهبی» و «بصری و عینی بودن تغییرات حاصل از این مراسم» را در شهر زیاد دانسته و میزان «ذهنی بودن این آیین مذهبی» را در شهر به ترتیب متوسط و زیاد قلمداد می‌کنند. در تحلیل مجموع این پرسش‌ها با هم و آزمون‌های مربوط به آن‌ها می‌توان این گونه بیان کرد که اکثریت پرسش‌شوندگان علاوه بر تأکید بر ایجاد تغییرات طی آیین مذهبی ایام محرم در منظر شهر، آن‌ها این تغییرات را در عین کالبدی و بصری بودن دارای تأثیراتی ذهنی و غیر عینی بر یاد و خاطره خود از شهر می‌دانند. آن‌ها همچنین بیش‌ترین تغییرات حاصل از آیین مذهبی دهه محرم را در شهر به ترتیب در تکایا و هیئت‌های عزاداری، پرچم‌بندی و چراغانی شهر و دسته‌های عزاداری ذکر نموده‌اند، و مهم‌ترین آیین‌های مذهبی را محرم و صفر، و عاشورا پویا و متحرکی هم‌چون تکایا و دسته‌های عزاداری از عناصر غیر کالبدی هستند که در کنار عناصر بصری و عینی هم‌چون آذین‌بندی شهر، تصوّر شهروندان از منظر شهر را در طی این ایام ساخته‌اند. وجود چشمگیر مشخصه‌های عینی و ذهنی مربوط به این مراسم در کنار هم در شهر، آن را به مهم‌ترین مراسم آیینی-مذهبی پاسخ‌دهندگان بدل نموده است. چنین منظر شهری موقت و آیینی علاوه بر این که می‌تواند بستر بروز رفتارها و فعالیت‌هایی باشد که از اهمیت بسزایی برخوردارند، بر انگیزه استفاده‌کنندگان از فضا نیز تأثیرگذار است. کیفیت تأثیرپذیری محیط مصنوع از مفاهیم مذهبی و تأثیر شگرفی که این تأثیرپذیری می‌تواند بر افزایش کیفیت محیطی بگذارد، ضرورت پژوهش‌هایی از این دست را به منظور تعیین عواملی که توجه به آن‌ها می‌تواند سبب ارتقای کیفی محیط در طرح‌ها و پروژه‌های دوران حاضر گردد، مشخص می‌نماید. به منظور ایجاد فضاهای سرزنده و با ارزش تاریخی و فرهنگی در شهر لازم است که طراحان و مدیران شهری علاوه بر در نظر گرفتن فضاهای مخصوص و شرایط مناسب برای برپایی چنین مراسمی در نقاط مختلف شهر، فعالیت‌های جاذب و وابسته به این آیین مذهبی نظیر سنت تعزیه و مرثیه‌خوانی را که از دیرباز وجود داشته‌اند، هر چه بیش‌تر در این ایام در شهر احیا کنند؛ چرا که در بسیاری از کشورها از این گونه مراسم که دو عامل فرهنگ و مذهب به عنوان جاذبه در این مراسم تجلی می‌یابند، به عنوان

یک رخداد شناخته و از طریق برپایی فستیوال‌ها و کارناوال‌ها به آن‌ها رونق داده و جذابیت آن‌ها بیش‌تر می‌نمایند.

فهرست منابع و مراجع

۱. آتشین بار، محمد (۱۳۸۸)، «تداوم هویت در منظر شهری»، فصلنامه باغ نظر، شماره ۱۲، سال ۶، صص ۴۵-۵۶.
۲. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱)، معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳. بیتس، دانیل و پلاگ، فرد (۱۳۷۵)، انسان‌شناسی فرهنگی. ترجمه محسن ثلاثی، علمی، تهران.
۴. چشمه قصابانی، مریم و کریمی، نوشین (۱۳۹۰)، «رویکردی تحلیلی به تاثیر رویدادهای فرهنگی در کیفیت منظر موقت شهری»، هویت شهر، شماره نهم، سال پنجم، پاییز و زمستان.
۵. حبیب، فرح؛ نادری، سید مجید؛ فروزانگر، حمیده (۱۳۸۷)، «پرسیمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت. (کالبد شهر تابع هویت یا هویت تابع کالبد شهر)»، نشریه هویت شهر، سال ۲، شماره ۳، پاییز و زمستان، صص ۱۳-۲۲.
۶. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۷)، «فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره جمعی»، مجله صفا، پاییز و زمستان.
۷. خاتم، اعظم (۱۳۸۴)، «حوزه همگانی و فضاهای عمومی در ایران»، اندیشه ایرانشهر، شماره ۳، صص ۱۰-۱۵.
۸. راپاپورت، آمس (۱۳۶۶)، منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه رضیه رضازاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۹. رحیمی، حسین (۱۳۸۴)، «در جستجوی شهر اسلامی پایدار»، مجله علمی پژوهشی پیک نور، سال ۵، شماره ۲، صص ۹۰-۹۸.
۱۰. شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۸۲)، معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، انتشارات جان جهان، تهران.
۱۱. علی الحسینی، مهران و پای کن، عصمت (۱۳۹۴)، «بازشناسی اثر آیین‌های عاشورایی بر شهر ایرانی، بررسی موردی: شهر لاهیجان»، دو فصلنامه دانشگاه هنر، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۹۴.
۱۲. فیاض، ابراهیم و رحمانی، جبار (۱۳۸۵)، «مناسک عزاداری و گفتمان کربلا در دین ورزی اقشار فرودست شهری»، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، صص ۵۷-۷۹.
۱۳. قادری، اسماعیل و حافظی زاده، شقایق و عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۸)، «راهکارهای استفاده از مراسم تاسوعا و عاشورا به عنوان پتانسیل توریسم فرهنگی - مذهبی در محدوده بخش مرکزی تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا، سال ۹، شماره ۲۸، صص ۱۰۱-۷۵.
۱۴. گیویان، عبدالله (۱۳۸۵)، «آیین، آیینی سازی و فرهنگ عامه‌پسندی دینی: تاملی در برخی بازنمایی‌های بصری دینی و شیوه‌های جدید مداحی»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، صص ۱۷۹-۲۱۱.
۱۵. لینچ، کوین (۱۳۸۰)، تئوری شکل شهر، سید حسین بحرینی، دانشگاه تهران، تهران.
۱۶. محدثی، جلال (۱۳۸۹)، «آیین و منظر؛ شکل‌گیری منظر شهری

- آیینی در مناسبت‌های اجتماعی»، ماهنامه تخصصی منظر، شماره ۱۰، شهریور، صص ۱۸-۲۱.
۱۷. میر مقتدایی، مهتا (۱۳۸۸)، «معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر- مطالعه موردی تهران»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷، بهار، صص ۵-۱۶.
۱۸. نقی زاده، محمد (۱۳۸۹)، **تحلیل و طراحی فضای شهری**، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
19. Djukic, Aleksandra&Stupar, Aleksandra.(2001), **Brief insight into historical urban transformations: Design of public spaces vs, myth, ritual and ideology**, Spatium, p.19-23.
20. Geertz, Clifford (1973), **Interpretation of Cultures, Selected Essays**, Basic Book, NewYork.
21. Landry, Charles (2006), **The Art of City-Making**, Sterling, VA, London .
22. Mayo,James.(2009), “temporary landscapes”, **Jurnal of Architectural and Planning Research**, v26, n2, summer
23. Routhenbuhler (1998), **Ritual communication**, Sage, London.

